

دیدگاه ارتباطی شخصیت با تکیه بر منابع اسلامی

عبدالله معتمدی *

چکیده

دیدگاه ارتباطی، دیدگاهی است که به‌منظور شناخت شخصیت به مطالعه تعامل و ارتباط فرد با خود، خداوند، طبیعت و دیگران می‌پردازد. مبنای این ارتباط‌های چهارگانه برای فهم شخصیت انسان، مرور اجمالی آیات و احادیث و دقت در نظر اندیشمندان بزرگ مسلمان بوده است. شهید صدر، روش‌های تربیتی اسلام را در این چهار محور دسته‌بندی می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی کتاب مفاتیح الحیات را بر این اساس تنظیم کرده و برخی دیگر از علمای مسلمان نیز به این ارتباطات چهارگانه اشاره کرده‌اند. براساس تحلیل ارتباط‌های چهارگانه گفته شد افرادی که ارتباط بیشتری با طبیعت دارند، تصمیماتی می‌گیرند که به محیط کمک کند. فرد با اعتقاد به اینکه خداوند اساس ایمنی است، احساس قدرت می‌کند. فرایند ارتباط مؤثر فرد با دیگران می‌تواند به تاریخچه دلبستگی فرد با موضوع دلبستگی خود برگردد. در ادامه نیز موضوع ارتباط با خود توضیح داده شده و در نهایت جدول متقاطع از تعامل ارتباط‌های چهارگانه برای شناخت مؤلفه‌های مختلف شخصیت ارائه شده است.

کلیدواژگان: دیدگاه ارتباطی، ارتباط‌های چهارگانه، ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با طبیعت.

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (a_moatamedy@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۱

مقدمه

از شخصیت انسان تعاریف متعددی ارائه شده است. آلپورت به‌عنوان یک روان‌شناس، ۴۹ تعریف از شخصیت را که با رویکردهای مختلف حقوقی، فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ارائه شده بود، بررسی و در نهایت تعریف جدیدی از شخصیت ارائه کرد. براساس نظر آلپورت، شخصیت سازمان پویای روانی و جسمانی آدمی است که موجب سازگاری بی‌همتای او با محیط می‌شود. آلپورت در تجدیدنظری که چند سال بعد انجام داد، گفت: شخصیت سازمان پویای روانی و جسمانی آدمی است که ویژگی‌های رفتاری و فکری او را تعیین می‌کند (Feist & Feist, 2008, p.378).

اندیشمندان متعددی نیز همچنان تلاش کرده‌اند تا با ارائه نظریه شخصیت، ضمن معرفی ساختار شخصیت انسان، ابزارهایی برای سنجش شخصیت ارائه نمایند (Weiner & Greene, 2008, p.172; Burger, 2011, p.133). هریک از نظریه‌های شخصیت بر مبنای روش‌های متفاوت، داده‌ها و اطلاعات مورد نظر خود را تعریف، تعیین و سپس جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در تمام نظریه‌های شخصیت، داده‌های اصلی عمدتاً از یک یا چند مورد از مجموعه LOTS^۱ گرفته شده است (پروین و جان، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

پرداختن به شخصیت با رویکرد ارتباطی، پیشنهاد مقاله حاضر است. این پیشنهاد برگرفته از تجارب مؤلف و مبتنی بر مطالعات پیشین و همچنین توجه به منبع معرفتی دینی است.^۲ همان‌طور که گفته شد، در تمام نظریه‌های شخصیت، داده‌های اصلی عمدتاً از یک یا چند مورد از مجموعه LOTS است. داده‌هایی که از LOTS به‌دست آمده، عمدتاً ناشی از منابع معرفتی علوم انسانی است که این منابع نیز براساس نگرش اومانیسیمی بنا نهاده شده‌اند. اگر با رویکرد اسلامی به منابع معرفتی نگاه کنیم، می‌توانیم در کنار منابع مطرح‌شده، منبع وحی را نیز اضافه کنیم و از این طریق علاوه بر حوزه‌های معرفتی که برای شناخت انسان داشته‌ایم، حوزه

۱. LOTS مرکب از حروف اول چهار شیوه جمع‌آوری اطلاعات در مطالعات شخصیت است. این چهار شیوه عبارتند از: ۱- داده‌های مربوط به سوابق زندگی فرد (Life record)؛ ۲- داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط مشاهده‌گر (Observer)؛ ۳- داده‌های حاصل از آزمون (Test)؛ ۴- داده‌های حاصل از گزارش‌های شخصی (Subject reports).

2. Pervin, L. A. & John, O. P.

۳. این رویکرد توسط مؤلف در کرسی‌های نظریه‌پردازی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۲ معرفی شده است.

جدیدی را مطرح نظر قرار دهیم؛ حوزه‌ای که متأسفانه تاکنون روان‌شناسی نتوانسته است از آن بهره‌مند شود.

بر این اساس اگر به شخصیت انسان نظر کنیم، می‌توانیم با مطالعه متون اسلامی نگاه اسلام را به شخصیت‌شناسایی کنیم. مروری اجمالی و کلی به مضمون آیات و احادیث نشان می‌دهد آیات و احادیث با موضوع انسان به چهار شکل نمود پیدا کرده‌اند: ۱- آیات و احادیثی که ارتباط انسان را با خودش مورد توجه قرار داده است؛ ۲- آیات و احادیثی که نحوه ارتباط انسان را با خداوند مورد توجه قرار داده است؛ ۳- آیات و احادیثی که به نحوه ارتباط انسان با دیگران پرداخته است؛ ۴- آیات و احادیثی که نحوه تعامل انسان را با طبیعت معین کرده است.^۴

منظور از رویکرد ارتباطی در این مقاله، تعامل و ارتباطی است که فرد با خود، خداوند، طبیعت و دیگران دارد. این نگاه به شخصیت انسان را با دو قاعده کلی مدنظر قرار می‌دهیم: قاعده اول آنکه، فهم شخصیت انسان نیازمند فهم کمیّت و کیفیت رابطه‌ای است که او با خود، دیگران، خداوند و طبیعت برقرار می‌کند. قاعده دوم آنکه، کمیّت و کیفیت رابطه‌ای که انسان با خود، دیگران، خداوند و طبیعت برقرار می‌کند، باید در یک فرایند تحولی بررسی شود.

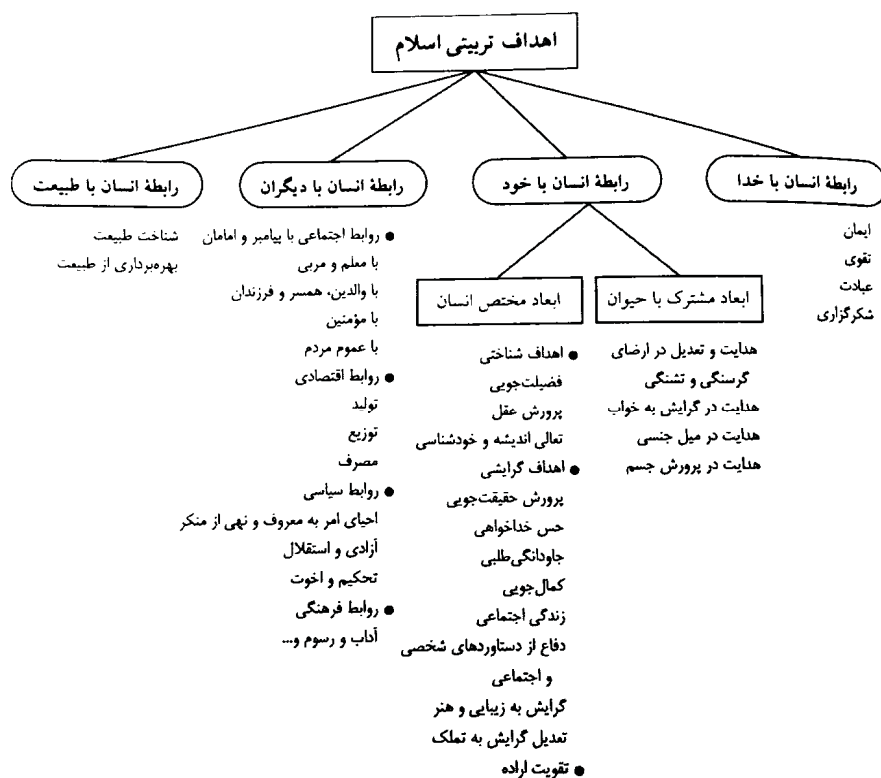
۱. مانند آیه ۱۰۵ سوره مائده که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ لَكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خودتان بیردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است، به شما زبانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد».

۲. مانند آیه ۱۵۲ سوره بقره که می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ؛ پس مرا یاد کنید [تا] شما را یاد کنم و شکرانهم را به‌جای آرید و با من ناسپاسی نکنید».

۳. مانند آیه ۷۱ سوره توبه که می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مردان و زنان باایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به‌زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است».

۴. مانند آیه ۲۴ سوره روم که می‌فرماید: «... وَ يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ و از آسمان باران می‌فرستد، سپس به‌وسیله آن زمین را که خشک و مرده بود، با رویش گیاهان زنده می‌کند».

تشریح و تبیین رابطه انسان با عوامل چهارگانه فوق در نگرش برخی علمای مسلمان به‌نحوی مورد توجه بوده است. شهید صدر مجموعه تعالیم اسلام را در چهار محور روابط انسان با خداوند، خود، دیگران و طبیعت دسته‌بندی می‌کند که در نمودار ذیل ارائه گردیده است (کاوینی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱).



آیت‌الله جوادی آملی کتاب **مفاتیح الحیات** را براساس، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگران (همنوعان و نظام اسلامی)، رابطه انسان با حیوان و رابطه انسان با خلقت زیست‌محیطی تنظیم کرده‌اند.

مبحث ارتباطات و اهمیت آن در متون روان‌شناسی، با معانی و تعاریف مختلف مطرح شده است.^۱ به‌علاوه، این مبحث در متون ادبی نیز منعکس شده است. در متون ادبی که به زبان فارسی نوشته شده است، کمتر متنی را می‌توان یافت که همچون **مثنوی** نسبت به موضوع ارتباط و مسائل آن حساس باشد (اخلاقی و نوریان، ۱۳۸۲، ص ۶۹). مولوی تمامی انواع ارتباطات را در چهار گونه ارتباطی، یعنی ارتباط با خویشتن، ارتباط با خدا، ارتباط با جهان هستی و ارتباط با هم‌نوعان دسته‌بندی نموده است. وی خودشناسی را محور اصلی تمامی انواع ارتباطات و نیز جوهر اصلی علوم و معارف بشری معرفی می‌کند و محقق شدن تمام اهداف انسان را منوط به تحقق خودشناسی می‌داند. وی تمامی آنچه را که به‌عنوان مفاهیم ارتباطی مختلف شناخته می‌شود - همچون زبان، سخن گفتن و سکوت، همنشینی و برقراری تعاملات اجتماعی و همدلی - با رویکردی اخلاق‌مدارانه مورد بسط و توضیح قرار داده و تأکید می‌کند که تمام این فعالیت‌ها و تعاملات بشری باید در جهت شناخت وی از خویشتن و سپس خالق و جهان هستی صورت پذیرد؛ چراکه انسان بدون رسیدن به شناختی درست از خود، به هر درجه از کسب دانش برسد، باز همچون کلافی سردرگم بوده و به آرامش و سعادت نمی‌رسد (محمودیان، فرهنگی و عقیلی، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

علامه محمدتقی جعفری در مقاله «عرفان در ارتباط چهارگانه انسان»، ضمن طرح این ارتباطات چهارگانه می‌نویسند: فقط مذهب است که تفسیر ارتباطات چهارگانه اساسی - یعنی ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با جهان هستی و ارتباط انسان با هم‌نوع خود - را برعهده می‌گیرد و طرق بایستگی و شایستگی‌های انسان را در ارتباطات مزبور بیان می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۱، ص ۸).

۱. دیدگاه‌های دیگری نیز تحت عنوان «ارتباط‌گرایی» مطرح شده است. به‌عنوان مثال، با یک رویکرد متفاوت به موضوع ارتباط، ارتباط‌گرایی به‌عنوان پارادایم جدید یادگیری در عصر دیجیتال مطرح شده است. این نظریه، نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی را به چالش کشانده و در رویارویی با آنها، با توجه به استلزامات عصر دیجیتال، کارآمدتر جلوه نموده است. بنابر استدلال صاحب‌نظران، چنین نظریه‌هایی زمانی شکل گرفته‌اند که یادگیری تحت‌تأثیر فناوری‌های جدید نبوده است. این در حالی است که در دهه‌های اخیر فناوری چگونگی زندگی، ارتباط و یادگیری را به شکل نویی سازمان‌دهی کرده و موجب گرایش‌های جدید در حوزه یادگیری شده است (رضائی، نثری و آرمنند، ۱۳۹۰، ص ۸۲).

در ادامه با معرفی روابط چهارگانه انسان، به جوانب مختلف این حوزه‌ها و نقشی که آنها می‌توانند برای انسان داشته باشند، اشاره می‌شود.

۱. ارتباط با طبیعت

قرآن برای اینکه انسان عظمت آفرینش و آیه‌های الهی در طبیعت را کوچک نینگارد، به آنها سوگند یاد می‌کند تا یادآور شکوه و عظمت این پدیده‌ها گردد:

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا
وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا؛ سوگند به خورشید و بر تابش نور آن و به ماه چون از پی آن درآید و
به روز چون آن [زمینی] را روشن گرداند و به شب چون آن را فراپوشاند و به آسمان و
آن که آن را بنا کرد و به زمین و آن که آن را گستراند (شمس، ۸-۱).

آیاتی از این قبیل و با مفهوم مشابه که انسان را دعوت به مطالعه و دقت، تفکر و تأمل در شکوه آفرینش می‌کند، در قرآن بسیار است، و این حکایت از اهمیت این نوع نگرش به طبیعت و هستی دارد؛ نگرشی که در مقام آموختن و کشف حقایق است.

بسیاری از پژوهشگران رابطه متغیرهای پیش‌بینی‌کننده مختلف، عشق و علاقه به طبیعت با نگرش و رفتار نسبت به آن را بررسی کردند (ایزسر، ایزلر^۱، ۲۰۰۳؛ یوشیدا^۲، ۲۰۰۳؛ نونی، وودروم^۳، هوبان^۴، ۲۰۰۳؛ رامانیاچ، کلومپ و شارپ^۵، ۲۰۰۳). در این میان اخیراً بررسی‌هایی در زمینه ماهیت رابطه انسان با طبیعت و تأثیرات آن روی اخلاق طبیعی، به‌ویژه رفتارهای جامعه‌پسند محیطی انجام گرفته است. مایر و فرانترز (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که افرادی که گزارش‌کننده احساس ارتباط و پیوستگی بیشتری با طبیعت هستند، تمایل دارند تصمیماتی بگیرند که به محیط کمک کند. ویلسون (۱۹۹۳)

1. Eisler, Eisler.
2. Yoshida.
3. Nooney, Woodrum.
4. Hoban.
5. Ramanaiah, Clump & Sharpe
6. Wilson.

با طرح فرضیه بیوفیلیا^۱ معتقد بود که انسان‌ها برای تعلق و ارتباط، به سایر موجودات زنده نیاز درونی دارند. براساس این نظریه، انسان‌ها به‌صورت ناهشیار می‌کوشند با بقیه موجودات، بهترین تمایلات عاطفی را شکل دهند (بدری گرگی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۳-۲۲).

۲. ارتباط با خدا

ارتباط با خداوند در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می‌تواند متجلی شود. در بعد شناختی، نوع نگاه و معرفت انسان نسبت به خداوند مطرح است. امام صادق (ع) فرمود:

اذا تجلّى ضياء المعرفة في الفؤاد، هاج ریح المحبة و اذا هاج ریح المحبة، استأنس في ضلال المحبوب و آثار المحبوب علی ماسواه و باشر اوامره و نواهیه و اختارهما علی کل شیء؛ هنگامی که نور معرفت و شناخت در قلب آشکار شود، نسیم محبت وزیدن آغاز می‌کند و هنگامی که محبت برخاست، شخص در سایه محبوب انس گرفته و محبوب را بر غیر ترجیح خواهد داد و گوش به فرمان اوامر و نواهی محبوب می‌گردد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۶۹).

بعد عاطفی ارتباط انسان با خدا به شکل محبت و عشق به خدا بروز می‌نماید. خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا را شدیدتر دوست می‌دارند» (بقره، ۱۶۵). بعد رفتاری ارتباط با خداوند در حوزه عمل، عبودیت است. عبودیت در فرهنگ قرآنی و اسلامی، جزو اهداف آفرینش انسان محسوب شده است. در قرآن کریم آمده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه عبادت کنند» (ذاریات، ۵۶).

۱. اصطلاح «بیوفیلیا» اولین بار توسط اریک فرم (Erich Fromm) در سال ۱۹۶۴ م برای توصیف گرایش روانی مجذوب شدن نسبت به تمام چیزهای زنده و زندگی‌بخش استفاده شده است. این واژه از لحاظ لغوی از دو جزء Bio و Philia تشکیل شده است. Bio به چیزهای زنده یا زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود. Phil با ریشه یونانی به معنای عاشق و دوستدار است و واژه Philia احساس مثبتی است که مردم نسبت به عادت‌ها و فعالیت‌ها و تمام چیزهایی که در طبیعت اطراف ماست، دارند. در نتیجه Biophilia به شکل تحت‌لفظی به عشق به زندگی و موجودات یا سیستم‌های حیات معنا شده است. بعدها ویلسون، از اساتید دانشگاه هاروارد در کتابی که با عنوان بیوفیلیا منتشر کرد، نظریه بیوفیلیا را معرفی نمود.

در بیشتر تحقیقاتی که در آمریکا و کشورهای اروپایی انجام شده، نشان داده شده است که میان کیفیت تصور از خدا با ویژگی‌های شخصی افراد و وضعیت سلامت روانی آنها رابطه وجود دارد (Ghobari Bonab & Haddadi Koohsar, 2011, p.244).

هارمز (بنگرید به: رسول‌زاده طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۷۳) به سه مرحله در تحول مفهوم خداوند اشاره می‌کند. نخست، مرحله فرشته‌پنداری (۶-۳ سال) که کودکان در این مرحله تفاوت ناچیزی بین خداوند و فرشتگان ادراک می‌کنند. هارمز معتقد است به تدریج و با گسترش ظرفیت شناختی کودک، تصویری که او در ذهن خود از خداوند نقاشی کرده است، هم‌عینی‌تر می‌شود و هم شباهت بیشتری به انسان‌ها پیدا می‌کند. او این مرحله را که در کودکان ۶ تا ۱۱ سال دیده می‌شود، مرحله واقع‌بینی می‌نامد و معتقد است کودکان در این مرحله برای معرفی خداوند به دیگران، به راحتی از سمبل‌های مذهبی استفاده می‌کنند. آخرین مرحله شکل‌گیری مفهوم خداوند در انسان، مرحله فردگرایانه نامیده می‌شود که این مرحله در نوجوانان به چشم می‌خورد. در این مرحله، نوجوانان منحصراً بر سمبل‌های مذهبی تکیه نمی‌کنند، بلکه رویکردی فردی در مورد خداوند اتخاذ می‌نمایند که نتیجه آن، پیدایش برداشت‌ها و ادراکات بسیار متفاوتی از مفهوم خدا در یک فرد نسبت به فرد دیگر است.

دیدگاه کرک پاتریک (بنگرید به: همان، ص ۷۵) در خصوص ارتباط دل‌بستگی و مذهب، منبعی غنی برای تحقیقات تجربی فراهم آورده است. برای مثال، این اعتقاد وجود دارد که نظریه دل‌بستگی با فهم مفهوم‌سازی خداوند، رفتارهای مذهبی مانند دعا کردن و زمزمه کردن برای خود در ارتباط است. همچنین میان تجربیات مذهبی و عشق‌های رمانتیک نیز ارتباط وجود دارد. به اعتقاد کرک پاتریک، بزرگسالانی که در روابط عاشقانه خود دل‌بسته ایمن هستند، تعهد مذهبی بیشتر و تصویر مثبت‌تری از خداوند گزارش کرده‌اند. پاسخ‌گویان مضطرب دوسوگرا احتمال دارد که خدا را بیشتر به صورت یک نور تصور کنند، و پاسخ‌گویان اجتنابی اعتقاد بیشتری دارند که انسان نمی‌تواند معرفتی نسبت به خدا و جهان آخرت داشته باشد.

سپاه‌منصور و دیگران (۱۳۸۷، ص ۲۵۶) در تحقیق خود با عنوان «ادراک دل‌بستگی کودکان، دل‌بستگی بزرگسال و دل‌بستگی به خدا»، با اشاره به دیدگاه کرک پاتریک می‌نویسند:

خدا به‌عنوان موضوع دل‌بستگی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. جستجو و حفظ مجاورت با خدا: به‌نظر می‌رسد آگاهی از وجود موضوع دل‌بستگی از لحاظ روان‌شناختی با وجود عدم حضور فیزیکی و قابلیت مشاهده، احساس ایمنی را در فرد به‌وجود می‌آورد.
۲. خدا به‌عنوان پناهگاهی مطمئن: آلپورت معتقد است که افراد در شرایط تنیدگی‌زا و بحرانی به مذهب رجوع می‌کنند و به‌سوی خدا می‌روند.
۳. خدا به‌عنوان پایه و اساس ایمنی: فرد با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت می‌کند. این احساس ایمنی به آرامش روانی در فرد منجر می‌شود و وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند.
۴. جدایی و فقدان: جدایی از خدا موجب اضطراب و فقدان او موجب غم و اندوه می‌شود.
۵. خدا به‌عنوان قادر و دانای مطلق: ویژگی آشکار دیگری که کرک پاتریک به آن اشاره کرده است، درنظر گرفتن خدا به‌عنوان قادر و دانای مطلق است. در حقیقت رابطه خدا و انسان بهتر از رابطه مراقب - کودک این ویژگی را آشکار می‌کند.

وارث و دیگران (۱۳۸۸، ص ۱۴۳-۱۴۱) در تحقیق خود عنوان می‌کنند: براساس مطالعات انجام‌شده، انواع ارتباطات پیروان ادیان با خدا را می‌توان در چهار گونه ارتباط، یعنی همه‌خدایی، همه در خدایی، کارگزاری خدا و تعاملی با خدا قرار دارد. اتخاذ هر نوع از ارتباطات مذکور، پیامدها و آثاری دارد که انسان را ملزم به رعایت آن می‌کند. این چهار گونه ارتباط منحصر به پیروان یک دین خاص نمی‌باشد و ممکن است هر چهار گونه یا بخشی از آن را در یک دین نیز مشاهده نمود:

۱-۲. ارتباط انسان با خدا به‌گونه ارتباط همه‌خدایی

Pantheism از دو واژه pan (همه) و theo (خدا) ترکیب شده و به همین خاطر به‌معنای همه‌خدایی ترجمه شده است. در این نظریه خدا کل است و کل، خداست. جهان آفریده‌ای متمایز از خدا نیست؛ خدا جهان است و جهان خداست. اسپینوزا از مدافعان مشهور فلسفه و الهیات پانته‌ایسم یا همه‌خدایی است.

۲-۲. ارتباط انسان با خدا به‌گونه ارتباط همه در خدایی

پانن تئیسیم از لغات یونانی pan (همه) و en (در) و theo (خدا) مشتق شده که عبارت است از اعتقاد به اینکه وجود خدا شامل همه موجودات است و در همه جهان سریان و جریان دارد؛

آن‌چنان که هر جزئی از جهان در او وجود دارد. برخلاف همه‌خدایی، همه در خدایی معتقد است که وجود خدا بیشتر از جهان است و جهان کاملاً او را دربر نمی‌گیرد. همه در خدایی بر این عقیده است که اگرچه خدا تا حدی غیر از انسان است، ولی جوهر خود را با آن - یعنی انسان - آشکار می‌کند. خدا، جهان (انسان) را دربر دارد و بر آن سیطره دارد، ولی خدا و جهان (انسان) از لحاظ جوهر از یکدیگر متمایز هستند.

۲-۳. ارتباط انسان با خدا به‌گونه کارگزاری خدا

در این دیدگاه، همه موجودات و ما انسان‌ها مخلوقات خدا هستیم؛ خدا غیر از ماست و ما هم غیر از او هستیم. خدا خالق ما و ما مخلوق او هستیم و چون خدا خالق ماست، سه چیز ما برعهده خداست که این سه چیز، همه چیز ماست: ایجاد ما، حفظ ما و هدایت ما. این سه امر مهم در اختیار خداست. از آنجاکه ایجاد، حفظ و هدایت ما در اختیار خداست، تمام تأثیر را نیز خدا در زندگی خانوادگی و زندگی کاری ما خواهد داشت. ما نه‌تنها ذره‌ای در دگرگونی خدا دخالتی نداریم، بلکه دم به دم خدا ما را دگرگون می‌کند. در این صورت است که ما نماینده خدا می‌شویم و خداست که ما را به کاری وا می‌دارد. یک فرد در سازمان وقتی اعتقاد داشته باشد که فقط او نماینده و کارگزار خداست، بالادست و فرودستش را به هر تقدیر می‌پذیرد. چنین کارمندی تسلیم محض در برابر سازمان خواهد بود و هر کاری را به هر نحوی از انجا کار خدا می‌داند.

۲-۴. ارتباط انسان با خدا به‌گونه تعاملی با خدا

وقتی نوع ارتباط فرد در سازمان با خدا به‌گونه تعاملی است، همواره کارش در تعامل با خدا قرار می‌گیرد و کار وی در نظرش داد و ستدی با خداست که باید با او معامله شود؛ در قبال هر کاری که انجام می‌دهد، پاداش و دستمزد از طرف خدا می‌طلبد؛ برای خدا نیایش می‌کند و در ازای آن چیزی را می‌طلبد.

در تحقیقات دیگر به محتوای ارتباط افراد با خدا (که در جریان دعا یا اذکار دیگر انجام می‌شود) توجه شده است. نصیرزاده و حسین‌چاری (۱۳۸۶، ص ۵۶) در تحقیق خود تحت عنوان «تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی - اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان» می‌نویسند:

درحالی‌که در پژوهش تامینن (۱۹۹۱)، دعا برای برآورده شدن حاجت‌ها تا سن ۲۰ سالگی همچنان اهمیت خود را حفظ می‌کند، لانگ و دیگران (۱۹۶۷) به کاهش اهمیت دعا برای برآورده شدن حاجت‌ها در بزرگسالی اشاره دارند. وولی (۲۰۰۰) و وولی و فلیس (۲۰۰۱) نیز معتقدند دعا کردن برای ارتباط با پروردگار در سال‌های اولیه و حتی در سن ۵ سالگی بروز می‌کند. به‌طور کلی دعاهایی که صرفاً برای خشنودی پروردگار به‌جا آورده می‌شوند، متداول‌ترند (اسپیکا و دیگران، ۲۰۰۳).

نصیرزاده و شعیری (۱۳۸۹، ص ۶۳) با انتخاب یک نمونه ۱۲۲ نفری از دانش‌آموزان کلاس اول تا پنجم ابتدایی، محتوای دعای کودکان را ۵۴/۹ درصد سلامتی و آموزش خود و اطرافیان، ۱۸ درصد شکرگزاری، ابراز احساسات و بیان آرزوها، ۱۶/۴ درصد مسائل تحصیلی، ۷/۴ درصد رهایی از مشکلات، ۱/۶ درصد کینه‌ورزی و دعا برای انتقام‌جویی و ۰/۰۸ درصد دعا برای امام زمان دانسته‌اند.

۳. ارتباط با دیگران

احتمال داده شده که ارتباطات اجتماعی و فهم اجتماعی بر مبنای الگوهای خود-دیگری بنا شده باشد. از این‌رو برخی تحقیقات ارتباط بین دلبستگی ایمن و فهم اجتماعی را بررسی می‌کنند. برخی تحقیقات نیز ساخت‌های دلبستگی را از ارتباط‌های اجتماعی اولیه به آنچه بعداً در نظریه ذهن مطرح شده است، ارتباط داده‌اند. توانایی پیش‌بینی و توضیح رفتار مردم با عنایت به وضعیت‌های روانی، نظریه ذهن کودک نامیده شده است (Douglas, 2004, p.167).

در فرهنگ اسلامی ارتباط با دیگران به انحاء مختلف و البته با رعایت چارچوب‌های خاص مطرح شده است. صله رحم از جمله مفاهیمی است که در آموزه‌های اسلامی بر اهمیت آن تأکید شده است. منابع اسلامی، صله رحم را به برقراری ارتباط دوستانه و شریک ساختن خویشاوندان در مال و مقام و دیگر خیرات دنیایی یا شاد نمودن آنان دانسته‌اند. خواجه نصیر طوسی در تعریف صله رحم اظهار می‌دارد: صله رحم عبارت از شریک نمودن خویشان و نزدیکان با خود در خیرات دنیوی است. از نظر شهید ثانی، سلام کردن که آسان‌ترین و ابتدایی‌ترین رفتار بین‌فردی است، صله رحم محسوب می‌شود. کمک‌های مالی، هدیه دادن، حمایت‌های عاطفی، رفع زیان و رفتارهای مؤدبانه و حمایت‌گرانه با ارحام، از جمله دیگر مصادیق

صله رحم محسوب می‌شوند. در هر حال صله‌ای که باعث ارتباط عاطفی، کسب محبت بین افراد، تحکیم وفاق و استحکام تعهدات بین‌فردی شود، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چنان‌که در احادیث زیادی بر این نوع رفتارها تأکید شده است (غباری بناب و بحرینیان، ۱۳۹۰، ص ۳۰۴).

امام صادق(ع) می‌فرماید: «لقضاء حاجة امر مؤمن احب الی الله من عشرين حجة؛ هر آینه بر آوردن نیازی از بنده مؤمن خدا در نزد خدا محبوب‌تر است از بیست حج (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۲، ص ۱۹۳). برخی معتقدند فرایند ارتباط مؤثر فرد با دیگران به تاریخچه دل‌بستگی فرد با موضوع دل‌بستگی خود (براساس نظر باولبی) برمی‌گردد (Noriah & others, 2010, p.1532). برخی نیز نظریه ذهن را به‌عنوان یک توانایی حیاتی برای برقراری تعامل با دیگران می‌شناسند (Yagmurlu & others, 2005, p.529). امین‌یزدی (۱۳۹۱، ص ۱۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «رشد یکپارچه انسان: مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط» می‌نویسد:

«مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط با تأکید بر نقش تعاملات هیجانی در رشد روان‌شناختی انسان معتقد است که همه توانایی‌های پایه انسانی نه به‌عنوان ویژگی‌های ژنتیکی از قبل تعیین‌شده در فرایند رشد ظاهر می‌شوند، بلکه قابلیت‌های اکتسابی هستند که در درون روابط هیجانی کودک با دیگران ساخته و تحول می‌یابند. مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط، رویکردی زیستی - روانی - اجتماعی از تحول انسان ارائه می‌دهد. اعتقاد بر این است که هر کودک با سیستم عصبی منحصربه‌فردی پا به عرصه زندگی می‌گذارد. سیستم عصبی کودک، خود را در چگونگی کارکرد حواس، حرکت‌ها، پردازش‌های حسی، شناختی و هیجانی نشان می‌دهد. از طرف دیگر، خانواده و جامعه‌ای که کودک در آن به دنیا می‌آید، تحت‌تأثیر سبک تربیتی خود که در میزان کنترل، آزادی، محبت و غیره ویژگی‌های متمایزکننده‌ای دارد، با کودک به ارتباط متقابل می‌پردازد. کیفیت تعامل ویژگی‌های زیستی خاص هر کودک و سبک تربیتی والدین، تعیین‌کننده سلامت و اختلال تحولی است. به‌طور نمونه، اگر ویژگی زیستی بیش‌حساسیتی کودک با سبک خشن و کنترل‌کنندگی والدین همراه شود، کودک را مستعد اختلال‌های اضطرابی می‌نماید؛ در صورتی‌که همین ویژگی زیستی در تعامل با سبک والدینی آرام‌کننده و گفتگویی، نه‌تنها چنین سرنوشتی نخواهد داشت، بلکه کودک به تحول روانی متناسب با سن خود دست خواهد یافت.»

۴. ارتباط با خود

در قرآن کریم آمده است: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد رعایت نفس خودتان» (مائده، ۱۰۵). در تفسیر المیزان در رابطه با این آیه گفته شده است:

طریق انسان به سوی خداوند همان نفس انسان است؛ زیرا جز خود انسان چیز دیگری نیست که طریق انسان باشد. خود اوست که دارای تطوراتی گوناگون و درجات و مراحل است مختلف؛ روزی جنین، روزی کودک، زمانی جوان و زمانی پیر می‌شود و پس از آن در عالم برزخ ادامه حیات می‌دهد. پس طریق آدمی به سوی پروردگارش همان نفس اوست (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۶).

یکی از راه‌های بررسی کیفیت ارتباط فرد با خود، مطالعه خودگویی‌های فرد است. مسیبه چنارین و دیگران (۱۳۸۹، ص ۹۲-۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اثربخشی درمان شناختی بر فن خودگویی در کاهش میزان هراس اجتماعی و تصحیح تعبیر مربوط به خود و دیگران» می‌نویسند: «پژوهش‌ها در بررسی محتوای خودگویی، مدلی سلسله‌مراتبی را پیشنهاد می‌کنند» (کالوت و کاردنوسو، ۲۰۰۲؛ سافرن و همبرگ، لرنر، وارمان و کندال، ۲۰۰۰؛ جولی و کارمر، ۱۹۹۴). این مدل شامل دو عامل کلی خودگویی مثبت در مقابل منفی، و چهار عامل مرتبه اول شناخت‌های منفی در مورد خود، شناخت‌های منفی در مورد دیگران، خود آموزشی مقابله‌ها و شناخت‌های مثبت می‌شود. هاردی (۲۰۰۴) نیز با در نظر گرفتن تفاوت‌های کارکردی بین موارد مورد استفاده خودگویی، برای خودگویی جنبه‌هایی را مطرح می‌کند. این جنبه‌ها شامل نحوه‌ای است که افراد: ۱. خود را آرام می‌کنند و عصبانیت‌شان را کنترل می‌کنند؛ ۲. با موقعیت‌های دشوار مقابله می‌کنند؛ ۳. تمرکز خود را حفظ می‌کنند یا آن را بازمی‌یابند؛ ۴. از لحاظ روانی آماده می‌شوند؛ ۵. تلاش‌هایی را که به منظور حفظ انگیزه‌هایشان انجام می‌دهند، کنترل می‌کنند؛ ۶. اهداف‌شان را به یاد می‌آورند؛ ۷. برنامه‌ها و مهارت‌های فردی خود را اجرا می‌کنند؛ ۸. از لحاظ روانی رشد می‌یابند و اعتماد به نفس خود را حفظ می‌کنند.

به‌طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که خودگویی مثبت و منفی، دو بعد مستقل از هم‌اند تا یک پیوستار دوقطبی. خودگویی منفی نسبت به خودگویی مثبت رابطه بیشتری با ناسازگاری روان‌شناختی دارد. کندال و چانسکی (۱۹۸۴م) این پدیده را «قدرت افکار غیر منفی» نام می‌نهند

و نشان می‌دهند که بسامد پایین افکار منفی نسبت به افکار مثبت، نقش بیشتری در تمایز رفتارهای ناسازگار دارد. از سویی دیگر، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بسامد زیاد افکار منفی و بسامد کم افکار مثبت، هردو با آسیب شناختی روانی ارتباط دارند، هرچند ممکن است با جنبه‌های مختلفی از ناسازگاری رابطه داشته باشند. به‌عنوان نمونه، بسامد زیاد افکار منفی هم با اضطراب و هم با افسردگی، ولی بسامد کم افکار مثبت فقط با افسردگی رابطه داشت (امسل، فیچن، ۱۹۹۸؛ اینگرام، و اسلاتر، اتکینسون و اسکات، ۱۹۹۰).

براساس الگوی جوهری، جوزف لوفت^۱ و هری اینگهام^۲ چهار نوع یا در واقع چهار بخش از خود فرد را معرفی کرده‌اند (Rotarua & others, 2010, p331). کلمه جوهری از ابتدای اسامی کوچک دو روان‌شناس که الگو را طراحی کرده‌اند، گرفته شده است؛ یعنی نام‌های جوزف لوفت و هری اینگهام (فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷).

براساس الگوی جوهری (شکل ۱)، چهار بخش خود شامل:

۱. خود گشوده: آن بخش از خود است که برای خود فرد و دیگران شناخته شده است. این بخش شامل مواردی است که هم خودمان در مورد خود می‌دانیم و هم دیگران در مورد ما می‌دانند؛ مانند ویژگی‌های ظاهر جسمانی که برای خودمان و دیگران قابل تشخیص است.
۲. خود پنهان: آن بخش از خود است که ما در مورد خود می‌دانیم، اما دیگران از آن بی‌خبرند. هرکسی رؤیاهای، احساسات، خلیات، دیدگاه‌ها و نگرشی دارد که دیگران آنها را نمی‌دانند.
۳. خود کور: آن بخش از خود است که دیگران از آن مطلع هستند، اما ما خود از آن بی‌خبریم. برای مثال ممکن است ما تیک داشته باشیم یا نوعی واکنش معین داشته باشیم که دیگران بدانند، اما خودمان به آن آگاه نباشیم.

۴. خود ناشناخته: آن بخش از خود است که خود ما و دیگران از آن بی‌خبریم (Rotarua & others, 2010, p332). مانند قدرت صبر و تحمل فرد که چنانچه با مشکلی مواجه نشده باشد، خود و دیگران از فهم دقیق آن عاجز هستند.

1. Joseph Luft.

2. Harry Ingham.

	شناخته برای خود	ناشناخته برای خود
شناخته برای دیگران	منطقه گشوده	منطقه کور
ناشناخته برای دیگران	منطقه پنهان	منطقه ناشناخته

شکل ۱- پنجره جوهری

جمع‌بندی و ارائه الگویی از شخصیت براساس دیدگاه ارتباطی

آنچه تاکنون ارائه شده، دید روشن‌تری از ارتباط را در چهار حوزه ارتباط با خود، خدا، دیگران و طبیعت منعکس کرده است. گفته شد افرادی که گزارش‌کننده احساس ارتباط و پیوستگی بیشتری با طبیعت هستند، تمایل دارند تصمیماتی بگیرند که به محیط کمک کند. برخی معتقدند فرایند ارتباط مؤثر فرد با دیگران به تاریخچه دل‌بستگی فرد با موضوع دل‌بستگی خود (براساس نظر باولبی) برمی‌گردد. به اعتقاد کرک پاتریک نیز بزرگسالانی که در روابط عاشقانه خود دل‌بسته ایمن هستند، تعهد مذهبی بیشتر و تصویر مثبت‌تری از خداوند گزارش کرده‌اند. پاسخ‌گویان مضطرب دوسوگرا احتمال دارد که خدا را بیشتر به صورت یک نور تصور کنند، و پاسخ‌گویان اجتنابی اعتقاد بیشتری دارند که انسان نمی‌تواند معرفتی نسبت به خدا و جهان آخرت داشته باشد. فرد با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت می‌کند. این احساس ایمنی به آرامش روانی در فرد منجر می‌شود و وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند.

همچنین به اهمیت ارتباط با دیگران در فرهنگ اسلامی اشاره و گفته شد برخی نظریه ذهن را به‌عنوان یک توانایی حیاتی برای برقراری تعامل با دیگران می‌شناسند. با توجه به آنچه گفته شد، فرایند ارتباط مؤثر فرد با دیگران می‌تواند به تاریخچه دل‌بستگی فرد با موضوع دل‌بستگی خود برگردد و ضمن آنکه در مدل تحولی- تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط، شخصیت فرد ناشی از کیفیت تعامل ویژگی‌های زیستی خاص او و سبک تربیتی والدین دانسته شده است. در نهایت موضوع ارتباط با خود مطرح و به سطوح مختلف آشنایی با خود و نقش خودگویی‌ها اشاره شد.

همان‌طور که گفته شد، مبنای ارتباط‌های چهارگانه برای فهم شخصیت انسان براساس مرور اجمالی آیات و احادیث و دقت در نظر اندیشمندان بزرگ مسلمان بوده است که به نظر

برخی از آنها اشاره شد. وقتی هریک از آثار متقابل تعاملی ارتباط‌های چهارگانه را در سه سطح در نظر بگیریم - برای مثال ارتباط با خود را در سه سطح کم، موقعیتی و زیاد تقسیم‌بندی کنیم و بقیه ارتباط‌ها را نیز به همین شکل در سه سطح کم، موقعیتی و زیاد در نظر بگیریم - جدول متقاطع از تعاملات ممکن برای افراد مختلف به لحاظ کمی شکل می‌گیرد (جدول شماره ۱) که به‌نوعی نشانه تنوعی از شخصیت‌های متفاوت است. هرچند این تنوع با دخالت عوامل کیفی با جزئیات بیشتر در همین حد نیز متوقف نمی‌شود، با این وصف در حد این مقاله جدول متقاطع کمیّت ارتباط‌های چهارگانه ارائه و تحلیل دقیق کمیّت و کیفیت این تنوع شخصیت به مقالات بعد احاله می‌شود.

در جدول متقاطع مجموعاً ۷۲۹ خانه ایجاد شده است (۲۷×۲۷). با عنایت به تکراری شدن برخی تقاطع‌ها، از این تعداد ۲۴۳ (۹×۹×۳) خانه کسر و تنها ۴۸۶ وضعیت ممکن قابل بررسی است. تحلیل هر نقطه تقاطع بدان معناست که برای مثال هر فردی یا خودش ممکن است کم یا به‌طور موقعیتی یا زیاد ارتباط برقرار کند. این فرد ممکن است هم‌زمان با دیگران نیز کم یا به‌طور موقعیتی یا زیاد ارتباط داشته باشد و مجدداً همین فرد ارتباطش با خداوند و طبیعت نیز می‌تواند کم یا به‌طور موقعیتی یا زیاد باشد. در تمام حالت‌ها تأثیر این ارتباط‌ها منجر به شخصیت متفاوتی از فرد می‌شود که لازم است این تفاوت‌ها طبقه‌بندی و احصا شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- اخلاقی، اکبر و مهدی نوریان، «مبحث ارتباط در مثنوی مولوی»، فصلنامه جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره ۱۴۳، ۱۳۸۲.
- امین‌یزدی، سید امیر، «رشد یکپارچه انسان: مدل تحولی- تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- بدری گرگری، رحیم و دیگران، «بررسی تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان (مقیاسی در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی محیط‌زیست)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۴۴)، ۱۳۹۰.
- پروین، لارنس ا و الیور بی جان، روان‌شناسی شخصیت، نظریه و پژوهش، ترجمه محمدجعفر جواد و پروین کدیور، تهران: نشر آبیژ، ۱۳۸۹.
- جعفری، محمدتقی، «عرفان در ارتباط چهارگانه انسان»، نشریه حضور، شماره ۶-۵، ۱۳۷۱.
- رسول‌زاده طباطبایی، کاظم و دیگران، «بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خصوصیات دموگرافیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگی‌های والدین بر ادراک آنان از مفهوم خدا»، مطالعات روان‌شناختی، دوره ۳، شماره ۴، ۱۳۸۶.
- رضائی، عیسی، شبنم نثری و محمد آرمنند، «نظریه یادگیری ارتباط‌گرایی و کاربرد آن در طراحی کتاب درسی دانشگاهی»، عیار، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، ۱۳۹۰.
- سپاه‌منصور، مزگان و دیگران، «ادراک دل‌بستگی کودکی، دل‌بستگی بزرگسال و دل‌بستگی به خدا»، فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۸۷.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۶، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- غباری بناب، باقر و مجید بحرینیان، «رابطه صله رحم به پدر و مادر و خویشاوندان با کیفیت دل‌بستگی به پدر و مادر و افراد بزرگسال»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۰.
- فرهنگی، علی‌اکبر، ارتباطات انسانی- مبانی، ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۹.
- کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

- محمودیان، زینب، علی‌اکبر فرهنگی و سید وحید عقیلی، «ارتباط از نگاه مولوی - خودشناسی حلقه گم‌شده ارتباطات»، **مجله مطالعات رسانه‌ای**، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۹۰.
- مسیبی چناربن، حسین و دیگران، «بررسی اثربخشی درمان شناختی بر فن خودگویی در کاهش میزان هراس اجتماعی و تصحیح تعابیر مربوط به خود و دیگران»، **مطالعات تربیتی**، دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- نصیرزاده، راضیه و مسعود حسین‌چاری، «تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان»، **فصلنامه روان‌شناسان ایرانی**، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۶.
- نصیرزاده، راضیه و محمدرضا شعیری، «رابطه ادراک کودکان در فرزندپروری و باورهای مذهبی کودکان»، **تحقیقات علوم رفتاری**، دوره ۸، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- نوری، میرزاحسین، **مستدرک الوسایل**، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- وارث، سید حامد و دیگران، «رابطه ارتباط فرافردی و رفتار شهروندی (مطالعه موردی: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)»، **نشریه مدیریت دولتی**، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۸۸.
- Burger, Jerry M, **Personality, Wadsworth, Cengage Learning**, Eighth Edition, Printed in the United States of America, 2011.
- Douglas, K. Symons. Mental state discourse, "theory of mind, and the internalization of self-other understanding", **Developmental Review**, No24, 2004, in: www.elsevier.com/locate/dr
- Feist, Jess & Gregory J Feist, **Theories of Personality**, 7th edition, New York: The Mc Graw Hill Companies, 2008.
- Ghobari Bonab, Bagher & Ali Akbar Haddadi Koohsar, "Relation between quality of image of God with hostility and interpersonal sensitivity in parents of exceptional children", **International Conference on Education and Educational Psychology (ICEEPSY 2011)**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol. 29, 2011, in: www.elsevier.com/locate/procedia.doi:10.1016/j.sbspro. 2011.11.232
- Noriah, Mohd & others "Trust, communication and healthy parental attachment among Malaysian academically talented college students", **Procedia Social and Behavioral Sciences**, vol9, 2010, Available online at: www.sciencedirect.com.
- Rotarua, Ileana & others, "The self in the communication process", **Procedia Social and Behavioral Sciences**, vol5, 2010. Available online at: www.sciencedirect.com
- Weiner, Irving B & Roger L Greene, **Handbook of Personality Assessment**, Hoboken, New Jersey: JohnWiley & Sons, 2008.
- Yagmurlu, B & others, "The role of institution and home contexts in theory of mind development", **Journal of Applied Developmental Psychology**, vol 26(5), 2005.